

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صاحب عروة در مسئله بیستم می فرمایند ؛ (مسئله ۲۰) : إذا تكلم بالخبر غير موجه خطابه الي أحد ، أو موجهها الي من لا يفهم معناه فالظاهر عدم البطلان وإن كان الأحوط القضاء .

اگر شخص صائم خبر کذبی را بیان کند منتهی کسی نباشد که آن را بشنود و یا اینکه در محضر چیزی باشد که صلاحیت شنیدن آن را ندارد مثل اینکه رو به دیوار یا سنگ و امثال اینها کند و یا مثلا در بیابان کذب علی الله و علی رسوله و علی الائمه(ع) بگوید ظاهرا در این صورت روزه اش باطل نمی شود اگر چه أحوط(مستحبی) آن است که روزه اش را قضا کند و دلیل عدم بطلان این است که خبر نیاز به مخبر دارد هرچند که در روایات ما گفته شده کذب علی الله و امثال آن اما صدق و کذب از اوصاف خبر می باشند و خبر هم مخبر لازم دارد ولی در اینجا کسی نیست که بشنود بلکه فقط خودش تنها بوده فلذا صاحب عروة و صاحب جواهر و فقیه همدانی می فرمایند که این صورت خاص از کذب روزه را باطل نمی کند . خوب حالا بحث در این است که آیا این صورت خاص از کذب که در مسئله ۲۰ مطرح شده است مشمول اخبار می شود یا نه ؟ روشن است تعبیراتی که در روایات ما درباره کذب علی الله و علی رسوله و علی الائمه(ع) بکار رفته اند منصرف در جاهایی هستند که اولاً شنونده ای باشد و ثانیاً شخص دروغ گو قصد انتقال دروغ به آن شنونده را داشته باشد و ما هم از ظاهر روایات همین را می فهمیم .

صاحب جواهر در ص ۸۷ از جلد ۱۷ جواهر و فقیه همدانی در ص ۳۸۳ از جلد ۱۴ مصباح الفقیه مثل صاحب عروة می فرمایند که این صورت از کذب روزه را باطل نمی کند ، و اما از میان شراح عروة فقط آقای خوئی می فرمایند که روزه را باطل می کند ایشان در ص ۱۳۷ از جلد اول مستند العروة می فرمایند ؛ در روایات ما کلمه خبر وجود ندارد که بعد بخواهیم بگوئیم خبر مخبر لازم دارد بلکه فقط در روایات ما گفته شده کذب أو یکذب ، اما ما در جواب ایشان عرض می کنیم درست است که در روایات ما کلمه خبر نیامده ولی معلوم است که صدق و کذب از اوصاف خبر می باشند و تا چیزی که حاکی از واقع است تحقق پیدا نکند صدق و کذب محقق نمی شود پس ما فرمایش آقای خوئی را که می فرمایند صوم را باطل نمی کند نمی توانیم قبول

کنیم فلذا اگر کسی در جایی کذب علی الله و علی رسوله و علی الائمه(ع) بگوید و شنونده ای نداشته باشد و به کسی هم منتقل نشود ظاهرا روزه اش باطل نخواهد شد .

(مسئله ۲۱) : إذا سئل سائل هل قال النبي(ص) كذا فأشار نعم في مقام لا ، أم لا في مقام نعم بطل صومه .

اگر شخصی سؤال کند که آیا بیغمبر(ص) چنین چیزی را گفته است یا نه ؟ در اینجا اگر شما با اینکه عقیده دارید بیغمبر(ع) چنین چیزی نگفته به او بگوئید گفته است خوب معلوم است که دروغ گفته اید فلذا روزه شما باطل خواهد شد و در واقع این نعم شما مثل یک جمله خبریه کاذبه است زیرا او دروغ گفته است و شما دروغ او را تصدیق کرده اید پس مثل این می ماند که خودتان دروغ گفته اید .

(مسئله ۲۲) : إذا أخبر صادقا عن الله أو عن النبي(ص) مثلا ثم قال : كذبت ، بطل صومه و كذا إذا أخبر بالليل كاذبا ثم قال في النهار : ما أخبرت به البارحة صدق .

اگر خبر صادقی را از خدا و بیغمبر(ص) نقل کند مثلا بگوید بیغمبر(ص) در غدیر خم امیرالمؤمنین(ع) را به عنوان خلیفه و جانشین خودش معرفی کرد و بعد بگوید کذبت روزه اش باطل می شود زیرا کذبت یعنی بیغمبر(ص) امیرالمؤمنین (ع) را به عنوان جانشین خود منصوب نکرده و مسلم است که این حرف دروغ می باشد فلذا روزه اش باطل می شود ، و همچنین اگر در شب از قول خدا و بیغمبر(ص) دروغی بگوید و بعد فردا که روزه گرفت بگوید آن چیزی که دیشب گفتم راست بود روزه اش باطل می شود .

(مسئله ۲۳) : إذا أخبر كاذبا ثم رجع عنه بلا فصل لم يرتفع عنه الأثر ، فيكون صومه باطلا ، بل و كذا إذا تاب بعد ذلك فإنه لا تنفعه توبته في رفع البطلان .

اگر از قول خدا و رسول و ائمه(ع) دروغی گفت و بعد فوراً پشیمان شد و از حرفش برگشت یا اینکه توبه کرد توبه اش فایده ای ندارد و روزه اش باطل می شود زیرا وقتی که دروغ گفت مفطر روزه را بجا آورده است فلذا روزه اش باطل شده است .

(مسئله ۲۴) : لا فرق في البطلان بين أن يكون الخبر المكذوب مكتوبا في كتاب من كتب الأخبار أو لا ، فمع العلم بكذبه لا يجوز الإخبار به ، و إن أسنده إلى ذلك الكتاب إلا أن يكون ذكره له على وجه الحكاية دون الإخبار ، بل لا يجوز الإخبار به على سبيل الجزم مع الظن بكذبه ، بل و كذا مع احتمال كذبه إلا

على سبيل النقل و الحکایة فالأحوط لناقل الأخبار في شهر رمضان مع عدم العلم بصدق الخبر أن يسنده إلى الكتاب ، أو إلى قول الراوی على سبيل الحکایة .

در بطلان صوم فرقی نمی کند که خیر کذب را خودتان درست کنید یا اینکه در یک کتابی باشد و شما بدانید که آن دروغ است ، بعد ایشان می فرمایند اگر علم داریم خبری که در فلان کتاب است دروغ و باطل است در این صورت اگر آن را بیان کنیم موجب بطلان روزه می شود و همچنین اگر ظن داریم و یا اگر احتمال هم می دهیم که آن خبر دروغ است و آن را نقل کنیم باز موجب بطلان روزه می شود ، فقط در دو صورت اشکالی ندارد و آن در جایی است که اگر از کتابی خبری را نقل کردی یا باید بدانی و علم داشته باشی که آن کتاب راست می گوید و یا اینکه اسناد به آن کتاب بدهی و إلا اگر علم و ظن و احتمال به بطلان داشته باشی روزه ات باطل می شود ، و علت این حکم این است که اشتغال یقینی فراغ یقینی می خواهد و ذمه شما به روزه گرفتن صحیح مشغول است و از طرفی یکی از مفطرات صوم دروغ بستن به خدا و پیغمبر و ائمه (ع) می باشد فلذا شما باید یقین پیدا کنی که این مفطر از شما صادر نشده است حالا شما چه وقتی یقین پیدا می کنی ؟ خوب مسلماً وقتی که علم به صحتش داشته باشی و إلا در جاهایی که علم و ظن و احتمال به بطلان داری دیگر علم به صحت نداری . صاحب عروة در پایان مسئله می فرمایند احوط برای کسانی که در ماه مبارک رمضان خبر نقل می کنند این است که اگر علم به صحت خبر دارند که خوب مشکلی ندارد و می توانند آن را نقل کنند ولی اگر علم ندارند اعم از این که ظن داشته باشند یا احتمال کذب بودن را بدهند باید آن خبر را یا به کتاب و یا به قول راوی علی سبیل الحکایة اسناد بدهد .

(مسئله ۲۵) : الکذب علی الفقهاء و المجتهدين و الرواة و إن كان حراماً لا یوجب بطلان الصوم إلا إذا رجع إلى الکذب علی الله و رسوله (ص) .

نسبت دروغ دادن به فقها و مجتهدین و روات اگر چه حرام است ولی روزه را باطل نمی کند مگر اینکه این نسبت دروغی که به آنها می دهد برگردد به کذب علی الله و علی رسوله (ص) ، مثل اینکه بعضی از عوام می گویند هر چه که آخوندها بگویند دروغ است ، خوب این روزه را باطل می کند زیرا طلبه ها از خدا و از رسول (ص) مطالب زیادی نقل می کنند فلذا این حرف برمی گردد به کذب علی الله و علی الرسول (ص) .

(مسئله ۲۶) : إذا اضطرَّ إلى الکذب علی الله و رسوله (ص) فی مقام التقیة من ظالم لا یبطل صومه به كما أنه لا یبطل مع السهو أو الجهل المركب .

اگر کسی مضطر شد و در مقام تقیه از ظالمی مجبور شد که دروغ به خدا و رسول (ص) ببندد در حالی که می داند حرفی که می زند دروغ است روزه اش باطل نمی شود . خوب این بحث بسیار مهمی می باشد ، صاحب جواهر در ص ۸۶ از جلد ۱۷ جواهر از استاد خودش یعنی شیخ جعفر کاشف الغطاء نقل می کند ؛ اگر کسی للتقیة دروغ بگوید روزه اش باطل نیست ولی صاحب جواهر به این حرف اشکال می کند و می گوید تقیه فقط گناه را بر می دارد ولی حکم وضعی را بر نمی دارد مثل کسی که تقیه چیزی بخورد که در این صورت روزه اش باطل می شود ولی گناه نکرده ، خوب در اینجا هم تقیه دروغ گفته فلذا روزه اش باطل می شود ، بنابراین اگر کسی مفطری را تقیه انجام دهد گناه نکرده ولی روزه اش باطل می شود فلذا صاحب جواهر به حرف استادش کاشف الغطاء اشکال می کند و می گوید : « التقیة ترفع الإثم و لا ترفع حکم الإفطار » بنابراین بحث در اینجا بر می گردد به این که آیا تقیه فقط گناه را برمی دارد یا اینکه مفطریت را هم بر می دارد ؟ بقیه بحث بماند برای فردا . ...

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین